

بیانیه اعلام موجودیت هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

در طول سالهای گذشته هزاران کارگر با سوابق کاری بالا و در شرایطی که بدلیل بیکاری گسترده در جامعه و داشتن سن بالا، هیچ امکانی برای اشتغال آنان در جاهای دیگر وجود نداشته است، باز خرید اجباری و از کارهایشان به بهانه های مختلف اخراج شده اند. اکثر این کارگران با دریافت مبلغی پول در جستجوی روزنه ای برای تامین معیشت همسر و فرزندان، آواره خیابانها شده و پس از اندک زمانی، این پولها را خرج هزینه های کمر شکن زندگی خود کرده اند و بدین ترتیب بخش زیادی از آنان در آستانه سن بازنستگی و با داشتن فرزندان دانشگاهی و... به جای آسودگی از حاصل ثروتی که خود در جامعه تولید کرده اند، در زیر آواری از خروارها فشار خرد کننده، تار و پود زندگیشان شروع به از هم پاشیدن کرده است.

از طرف دیگر بر اساس اعتراف برخی مقامهای مسئول، فقط ظرف شش ماهه اول امسال دویست هزار کارگر دیگر به خیل میلیونها کارگر بیکاری پیوستند که قامت در هم شکسته ی آنان، سیمای زندگی در جامعه ما را به تصویر کشیده است. این کارگران علی العموم کارگران موقتی هستند که دستشان به هیچ جایی بند نیست، به واقع دستمزد زیر خط فقر آنان در زمان اشتغال، تنها امید این کارگران و خانواده هایشان برای زنده ماندن بوده است، و امروزه این کارگران به دلیل زیاده خواهی سرمایه داران برای کسب سودهای نجومی، باید با شرمندگی مضاعفی، دست نیاز به سوی این و آن دراز کرده و از سر استیصال و درماندگی به هر ذلت و خواری برای زنده ماندن خود و همسر و فرزندان تن در دهند.

واقعیت اینست که حکومتگران، آنجا که پیرمرد نساجی قائم شهر پس از سالها تولید کوهی از ثروت و نعمت، می گوید: «میبینم که دخترم پنهانی کجا می رود، چه کنم وقتی نمی توانم حتی شکمش را سیر کنم...؟ چشمانشان را می بندند، نه تنها چشمانشان را می بندند بلکه همانگونه شاهد بودیم طی شش ماهه اول امسال، زمینه را برای بی خانمانی دویست هزار کارگر دیگر نیز مهیا کردند و ماههاست که برای به تسلیم کشاندن فریاد حق طلبی کارگران شرکت واحد، دستمزد نا چیز آنان را برای تحمیل فقر و گرسنگی مطلق بر خانواده هایشان به گروگان گرفته اند تا کارگری جرات دفاع از حقوق و حرمت انسانی اش را نداشته باشد.

کارگران

زندگی امروز کارگر نساجی قائم شهر، آئینه ی تمام نمایی است از زندگی همین فردای یکایک ما کارگران. تحت چنین جهنمی به نام زندگی، کدام انسانی است که بخواهد لب فرو بندد و در امروز و فردای زندگی اش، خود و همسر و فرزندان را در چنین وضعیتی ببیند. از اینرو، و بنا بر حق مسلم ما کارگران برای داشتن یک زندگی بهتر، که تنها با اتکا به نیروی متحد خود ما کارگران و از طریق متشکل شدن ممکن و میسر است،

بدینوسیله ما کارگران امضا کننده ی این بیانیه، ایجاد هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار را "با هدف تحقق بازگشت بکار کارگران اخراجی و تامین شغل مناسب برای میلیونها بیکار و یا برقراری بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزدها تا زمان اشتغال بکار کارگران اخراجی و بیکار"، اعلام میکنیم و از همه بیکاران و کارگران اخراجی و تعلیقی در مراکز تولیدی، صنعتی کشور میخواهیم دست در دست هم در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار متشکل شوند تا بدینوسیله قادر شویم دوشادوش هم و با اتکا به نیروی متحد خویش، خواسته های برحق مان را به کرسی نشاند و سایه شوم فقر و فلاکت، و استیصال و درماندگی را از زندگی خود و همسر و فرزندانمان به کناری افکنیم، بی تردید چنین امری میسر نخواهد شد، مگر با نیروی متحد و متشکل ما کارگران.

هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

درباره انشعاب در حزب دمکرات کردستان ایران

با نهایت تاسف از طریق اطلاعیه هایی از سوی «جمعی از اعضای دفتر سیاسی، کمیته مرکزی و جانشینان و مشاوران کمیته مرکزی» و نیز «کمیته مرکزی»، از انجام انشعاب در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران، یکی از احزاب دیرین کشورمان و نیز دوست و متحد نزدیک سازمان مطلع شدیم.

صادر کنندگان هر دو اطلاعیه در توضیح دلیل این انشعاب تاکید دارند که برای حفظ وحدت حزب تلاش نموده اند ولی نتیجه ای از این تلاش نگرفته اند. هر دو اطلاعیه بر ارزش های حزب دمکرات کردستان ایران و بر ادامه راه رهبران فقید آن تاکید نموده اند و مانع ادامه همکاری در صفوف حزب را اختلافات «سیاسی و تشکیلاتی» حل نشده ای اعلام داشته اند که بعد از کنگره سیزدهم سر برآورده است، اما در هیچ کدام از دو اطلاعیه، توضیحی در مورد چند و چون آن ها داده نشده است.

آن چه که روشن است، مسائلی که تاکنون دو طرف اعلام نموده اند، در حدی نیستند که بروز یک انشعاب را توجیه نمایند. سؤال ما از دوستان هر دو سوی این اختلاف این است که آیا در حد لازم از امکانات دمکراتیک حل مشکلات سود برده اند؟ آیا مراجعه به کلیه اعضاء و هواداران حزب و حتی فراخوان یک کنگره فوق العاده، طرح مسائل به صورت شفاف و علنی با مردمی که دوستدار حزب اند و همچنین سازمان های سیاسی دوست، قبل از وقوع حادثه، نمی توانست چاره مناسب تری باشد؟ متأسفانه در این انشعاب چنین کاری انجام نگرفته است و لاجرم به جز دوستان کرد عراقی حزب دمکرات کردستان ایران، متحدان این جریان هم، پس از اعلام رسمی انشعاب از وقوع آن آگاه شده اند. هنوز ما به عنوان یکی از دوستان قدیمی حزب دمکرات کردستان ایران، از علل این انشعاب، اطلاعی بیشتر از آنچه که تاکنون منتشر شده است، نداریم.

ما به تجربه آموخته ایم که انشعاب، همیشه راه حل مناسبی برای اختلافات سیاسی و تشکیلاتی نیست. دوستان حزبی ما، خود یک بار این تجربه را پشت سر گذاشته بودند و انتظار آن بود که این تجربه تلخ را دوباره تکرار نکنند و هر دو طرف با آموزش از نقصان ها و ندانم کاری ها در جدائی دیروز، امروز سعه صدر بیشتری از خود نشان داده، از طریق دیالوگ و تفاهم راه حل دیگری بر مشکلات موجود در مناسبات خود پیدا کنند.

ما به عنوان دوست و متحد حزب دمکرات کردستان ایران، از این که دوباره در این حزب جدائی دیگری رخ داده است، متأسفیم و آمادگی خود را برای هر گونه همکاری و تشریک مساعی برای رفع اختلافات دو طرف و حفظ یکپارچگی حزب دمکرات کردستان ایران اعلام می داریم و مطمئنیم که خود دوستان، در هر دو سوی این انشعاب نیز، بر مسئولیت خود در جست و جوی راه حلی برای پایان دادن به این وضعیت آگاه هستند و امیدواریم که با حفظ متانت، قبل از همه از دامن زدن بر آتش این جدائی و اختلاف خودداری نمایند و با درایت و احساس مسئولیت، مناسبات متقابل خود را به عنوان دو عضو خانواده بزرگ حزب دمکرات کردستان ایران، به برخورد های غیر دوستانه با یکدیگر آلوده نسازند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۲۵ آذر ماه ۱۳۸۵ / ۱۶ دسامبر ۲۰۰۶